

تورم جزایی و پیامدهای آن

اسمعیل رحیمی نژاد

مقدمه

روند رو به رشد نرخ تبه‌کاری و افزایش تکرار جرم* از یک طرف و تغییر و تحولات دایمی و تأسف‌بار در قوانین جزایی از طرف دیگر، که عمدتاً در راستای وضع جرایم جدید و تشدید مجازات‌ها صورت می‌گیرد، همه دلیل بر وجود نوعی بحران در سیاست جنایی بوده و نتیجتاً ضرورت تحول در آن را ایجاب می‌کند. آنچه که در این مقاله می‌آید عهده‌دار تبیین یکی از مهمترین جنبه‌های این بحران یعنی تورم جزایی است که مطالب پیرامون آن طی چند فصل آینده و به شرح زیر ارائه می‌شود:

در فصل اول ابتدائاً پدیده تورم جزایی تعریف و سپس به بیان علل آن پرداخته شده است و در فصل دوم ضمن ذکر مهمترین آثار و پیامدهای تورم کیفری به راههای مقابله و پیشگیری از آن اشاره شده است.

* - آماري که در پایان مقاله می‌آید هر چند مربوط به «تبه‌کاری ظاهري» است نه «تبه‌کاری قانونی» و فقط ناظر به تعداد محدودی از جرایم است، ولی خود بهترین شاهد این مدعاست.

فصل اول: تورم جزایی و علل آن

الف - تعریف پدیده تورم جزایی

وقتی کشوری برای کاهش و یا حداقل ثابت نگهداشتن نرخ تبه‌کاری و جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح و درمان مجرمین، با تبعیت از اهداف سنتی مجازات‌ها به تغییرات و تحولات مستمر و دایمی در قوانین که عمدتاً در راستای توسعه دامنه جرایم و یا تشدید مجازات‌ها است، اقدام می‌نماید. در همچو حالتی چنین کشوری با پدیده تورم جزایی مواجه است. این پدیده که هم علت و هم معلول بحران سیاست جنایی است از عوامل مختلفی ناشی می‌شود که ذیلاً به بیان مهمترین آنها می‌پردازیم:

ب - علل تورم جزایی

۱. یکی از عمده‌ترین علل تورم جزایی، چنانکه گفته شد، تبعیت از اهداف سنتی مجازات‌ها^۱ و موضوعیت دادن به خود مجازات‌هاست؛ بدون تردید وقتی یک دولت با دخالت مستقیم یا غیر مستقیم خود در روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ... مردم به توسعه روزافزون جرایم و مجازات‌ها^۲ اقدام می‌کند. این امر نشانگر این است که به اعتقاد چنین کشوری مجازات‌ها نقش اول را در موفقیت سیاست جنایی ایفا می‌نماید؛ اما داده‌های اخیر جرم‌شناسی جدید از یک طرف و تاریخ حقوق جزا از طرف دیگر نشان می‌دهد که در طول تاریخ تحول مجازات‌ها همه مکتب‌هایی که از این فکر الهام گرفته بودند با شکست مواجه شدند؛ برای مثال مکتب کلاسیک حقوق جزا که با الهام از افکار «بنتام»^۳ و «سزاریکاریا»^۴ بر شدت و قاطعیت

۱ - اهداف سنتی مجازات‌ها عبارتند از: ۱. هدف ارعابی (Deterrence) ۲. هدف کیفری (Retribution)

۳. هدف اصلاحی (Rehabilitation) ۴. هدف سلب صلاحیت مجازات‌ها (Incapacitation)

(Understanding criminal law. C.M.V Clarkson. Fontana press. P.11)

۲ - برای مثال قانونی که اخیراً در کشور ما تحت عنوان قانون تعزیرات اسلامی در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده است، از مصادیق بارز «تورم جزایی» است.

۳ - بنتام فیلسوف معروف انگلیسی بود که می‌گفت: «قوانین کیفری بر عزم و اراده انسان تأثیر روانی به جای می‌گذارد و موجب می‌شود انسان دانسته و سنجیده در اعمال و رفتار خود گام بردارد و از پیش پیامد آن را پیش بینی کند. بنابراین شدت مجازات‌ها و عبرت‌انگیزی آنها اثر بازدارندگی در بردارد مشروط بر اینکه فرد قادر باشد از پیش از ارتکاب جرم سود و زیان خود را محاسبه کند...» (سزاریکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمد اردبیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸، ص ۴۶).

۴ - سزاریکاریا (Ceasar Beccaria) از حقوق‌دانان قرن هیجدهم ایتالیا است. از محورهای اساسی افکار او

مجازات‌ها تکیه می‌کرد، در عمل نتوانست از وقوع جرایم پیشگیری و از تکرار آن جلوگیری کند. و به همین دلیل بود که در مقابل این مکتب مکاتب دیگری مثل مکتب تحقیقی و مکتب دفاع اجتماعی جدید ظهور کردند؛ چرا که اگر کیفرها عامل موثر و قطعی در مبارزه با جرم می‌بود، می‌بایست با تجویز و کاربرد آن دیگر اثری از ارتکاب جرم نمی‌ماند؛ در حالیکه نرخ تبه‌کاری و بخصوص پدیده تکرار جرم همیشه روند رو به رشد داشته است. شاهد دیگر بر این مدعا قبول اقدامات تأمینی و تربیتی (Security measures)، که برای اولین بار توسط مکتب تحقیقی در قرن نوزدهم عنوان گردید، در حقوق جزای مدرن و از جمله حقوق جزای ایران در قانون مصوب ۱۳۳۹ بود^۱ که دقیقاً به دنبال شکست فلسفه نئوکلاسیک در مبارزه با بزه‌کاری به طور کلی و مخصوصاً تکرار جرم بود. مرحوم دکتر محمد باهری در این خصوص می‌نویسد:

«قبول اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق جزای مدرن به این علت بود که در طی قرن نوزدهم فلسفه نئوکلاسیک در مبارزه با بزه‌کاری و به خصوص تکرار جرم با شکست مواجه گردید. تجربه نشان داد که پاره‌ای از بزه‌کاران و مجرمان به عادت و بیماران روحی از درک واقعیت مجازات عاجزند و اثر هراس انگیز آن را احساس نمی‌کنند و به همین جهت از آن پروا نکرده و به فعالیت و تلاش بزه‌کارانه خود ادامه می‌دهند. در مقابل چنین شخصیت‌هایی دفاع جامعه منحصرأ با اعمال مجازات تأمین نمی‌گردد؛ بنابراین حفظ جامعه در مقابل چنین کیفیات خطرناکی ایجاد و اعمال تدابیر تأمینی را ایجاب می‌کرد».^۲

پس چنانکه انریکو فری^۳ (Enrico ferri) می‌گوید:

«برای دفاع اجتماعی در مقابل ارتکاب جرم و برای اعتلای سطح اخلاق توده‌ها، کوچکترین پیشرفت در زمینه تحولات پیشگیری اجتماعی [تحولات پیشگیری

→ در حقوق جزا «تکیه بر اصل قاطعیت مجازات‌ها» بود. (سزاریکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، پیشین، ص ۴۱).

۱ - متأسفانه این قانون به دلایل اقتصادی عملاً متروک گردید، در حالیکه احیا و اجرای دقیق آن یک امر کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

۲ - محمد باهری، حقوق جزای عمومی، ج ۲، بی جا، تهران، سال انتشار ۱۳۴۰، ص ۳۶۵.

۳ - انریکو فری (۱۹۲۹ - ۱۸۵۶ م) استاد حقوق جزا در دانشگاه روم بوده و بنیانگذار جامعه‌شناسی جنایی و یکی از موسسان مکتب تحقیقی در حقوق جزاست. از دستاوردهای مهم این مکتب می‌توان به مسأله «قائم مقامهای کیفری» اشاره کرد؛ چرا که به اعتقاد این مکتب جرم معلول عوامل زیستی (عقیده سزار لمبروزو (Ceasar Lombroso) یا عوامل اجتماعی (دکتر الکساندر لاکاسان) و یا عوامل زیستی، روانی و اجتماعی (Bio - Physico - Social) (عقیده انریکو فری) است. این مکتب بر پایه عقاید اگوست کنت، که می‌گفت: «علل وقایع اجتماعی را باید در خود این عوامل جستجو کرد و نه در علل الهی و ماورای طبیعی»، به وجود آمد.

عمومی و تحولات پیشگیری فردی] صد بار بیش از انتشار مجموعه‌های قوانین
جزایی ارزش دارد.^۱

۲. از عوامل مهم دیگر تورم جزایی وجود بحران در سیاست جنایی کشور است که دارای ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، مدنی و اداری و حتی مذهبی و ... است؛ برای مثال برای کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه که عملاً با بحران اقتصادی مواجه هستند توسل به مقررات جزایی و تشدید مجازات‌ها آسانترین وسیله برای پیشگیری از جرایم مالی به حساب می‌آید. در مجموع می‌توان گفت عدم توجه کافی به قایم مقامهای کیفری از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، مدنی و اداری، خانوادگی، تربیتی، مذهبی، و علمی از عوامل مهم بحران در سیاست جنایی است.

فصل دوم: آثار و پیامدهای تورم جزایی و راههای مقابله با آن

بخش اول: آثار و پیامدهای تورم جزایی

۱. تورم جزایی باعث نزول شأن قانون^۲ و سست شدن ارزشها و هنجارهای اساسی جامعه شده و در نهایت به هرج و مرج و «آنومی»^۳ Anomie می‌انجامد؛

۱ - دکتر مهدی کی‌نیا، علوم جنایی، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۵، ص ۱۳۰۶.
۲ - از عوامل دیگری که باعث نزول شأن قانون می‌شود مسأله «فردگرایی در قانون نویسی» است که از مصادیق بارز آن قانون دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۵ / ۴ / ۱۳۷۳ مصوب مجلس شورای اسلامی است. (دکتر محمود آخوندی، فردگرایی در قانون نویسی، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۲ آذر ۱۳۷۵).
۳ - Anomie از کلمه یونانی (a - nomos) اقتباس شده است. در یونان باستان مراد از اصطلاح «نوموس» همان قانون اخلاقی یا فطری، رسوم، عادات، ذوق و مد، اسلوب و روش زندگی بوده است. به طریقی که مراد از «آنومیا» فقدان هر نوع قانون بوده است. در نتیجه بی‌نظمی، هرج و مرج، آشفتگی، بی‌شکلی و درهم ریختگی، بی‌قانونی، بی‌عدالتی، بی‌انصافی، و ستمکاری از تظاهرات آن است. نخستین کسی که آنومی را در زمینه جامعه‌شناسی در آثار خود به کار برده است امیل دورکیم است که در کتاب تقسیم کار اجتماعی تحت عنوان «تقسیم کار آنومیک» و در کتاب خودکشی خود تحت عنوان «خودکشی آنومیک» آن را مطرح کرده است. دورکیم در جستجوی علل خودکشی در کتاب خود یکی از علل مهم خودکشی را همین «آنومی» یا ضعف هنجارهای اجتماعی دانسته است. (ریموند گسن، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، مترجم ۱۳۷۰، ص ۱۵۵) این اصطلاح در سال ۱۹۵۷ به وسیله جامعه‌شناس آمریکایی به نام رابرت مرتون (R.K.Merton) بسط داده شد. مرتون بعضی از پاسخها و واکنشها را نسبت به بی‌هنجاری بررسی کرده است. به این معنا که رفتارهای انحرافی که مقاصد آن تقلیل تنشهای ناشی از آنومی است مورد بررسی او قرار گرفت که مهمترین آنها عبارت بودند از:

به عبارت دیگر موجب از میان رفتن معنا و مفهوم ارزشهای اساسی برای شهروندان می‌شود. درست است که وظیفه و رسالت اولیه حقوق جزا جلب نظر و توجه شهروندان است به ارزشهای اساسی جامعه از طریق تهدید به مجازات کسانی که می‌خواهند احتمالاً آنها را نقض کنند؛ اما وقتی همه چیز حقوق جزا می‌گردد (مشمول قوانین جزایی) می‌شود در آن صورت شهروند دچار سردرگمی می‌شود و وقتی همه چیز مهم و اساسی جلوه داده شد در واقع شهروند همه چیز را به عنوان فرع و بنابراین پیش پا افتاده تلقی می‌کند و در نتیجه از ارزش مجازات کاسته می‌شود؛^۱

۲. تورم جزایی موجب ایجاد یک «حقوق جزای استثنایی» و مستمراً در حال رشد می‌شود و با لطمه زدن به آزادیهای اساسی همزمان ترس غیرعادی و تحقیر و بی‌اعتنایی اسفباری در شهروندان برمی‌انگیزد.^۲ به بیان دیگر این امر باعث افزایش و یا کاهش حدود اختیارات و تکالیف نهادهای مختلفی مثل ضابطین دادگستری، دادسراها، دادگاهها، اداره زندانها و ... می‌شود؛^۳

الف - نوآوری (Innovation) که عبارت است از «طرد اعمال نهادی شده با حفظ و بقای هدفهای آن»؛ برای مثال اگر پول بدست آوردن از نظر فرهنگی برای یک جامعه هدف تلقی شود. در اثر فقدان وسایل قانونی ممکن است با وسایل غیر قانونی بدان دست یافت. تنش آنومیک ممکن است به صورت یک محرومیت درآید و در تظاهرات واکنشی غیر منطقی تقلیل یابد؛ چنانکه در بعضی از زمینه‌ها، بزهداری راه حلی برای فائق آمدن بر مشکلات است.

ب - شورش (Rebellion) واکنش نوآوری ممکن است به پیدایش خرده گروهها مانند باند جوانان و حتی گروههای با خرده فرهنگ بیش و کم پاینده منجر گردد.

ج - ریتوالیسم (Ritualism) نیز ممکن است با ضعف نقش هنجارهای اجتماعی یا بی‌هنجاری انطباق داشته باشد. و آن عبارت از اجرای مبالغه‌آمیز یک رفتار مجاز بدون هماهنگی فرهنگی معین و همبستگی منطقی است؛ بنابراین ریتوالیسم «نوعی واکنش است که در آن از عروج افکار باطنی و فرهنگی معین و پرتحرک خبری نیست در صورتی که وفاداری و مطابقت مبالغه‌آمیز با هنجارها در آن برجای مانده است.» از آن «فورمالیسم» (تشریفات گرای)، «بوروکراتیسم» (گرایش به دیوان سالاری)، و «پرفکسیونیسم» (کمال‌گرایی) است.

د - کناره‌گیری (Retreatism) یا فرار عبارت است از «چشم پوشی، هم از هدفهایی که فرهنگ نیل به آن را مقرر داشته و هم از وسایل و اعمالی که جامعه کاربردشان را برای نیل به آنها تجویز کرده است».

(The Criminal in Society, Leon Radzinowicz & Maruin E. Wolfgang; Basic Book, Inc, Publishers, Newyork, London, 1971. P. 442 - 473.)

۱ - ریموند گسن (Raymond Gassin)، بحران سیاستهای جنایی غربی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، ص ۲۹۱.

۲ - همان.

۳ - برای مثال با تصویب قانون دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ اختیارات دادگاهها فرق العاده

۳. تورم جزایی، شهروندان را غالباً بازیچه دست ادارات و قربانی سوء استفاده از آنها قرار می‌دهد. در واقع عموم شهروندان عادی و حتی کسانی که می‌توان آنان را «حقوقدانان عادی» نامید نسبت به حقوق جزا فنی در حال توسعه شناخت و آگاهی ندارند. حال آنکه برعکس ادارات تخصصی نسبت به آن اشرف دارند؛ زیرا بخشهای مختلف همین ادارات هستند که این حقوق را ایجاد و سپس نحوه اجرا و تفسیر آن را در قالب بخشنامه‌هایی به قسمتهای دیگر این ادارات ابلاغ می‌کنند. بدین ترتیب ادارات از تسلط و آفری بر شهروندان عادی برخوردارند که گاه با زیاده روی، خود رأیی و حتی اخاذی^۱ توأم است. در هر حال حتی زمانی که سوء استفاده وجود ندارد، تورم کیفری به افزایش تعداد پرونده‌ها و نهادهای کیفری و بنابراین به تشدید انسداد و وقفه‌ای که از آن نتیجه می‌شود کمک می‌کند؛^۲

۴. تورم کیفری «رقم سیاه و خاکستری تبهکاری»^۳ را بالا می‌برد؛

۵. تورم جزایی باعث اطاله دادرسی می‌شود. و اطاله دادرسی اثر قطعیت و ارعابی مجازاتها را از بین می‌برد؛

۶. تورم جزایی هدف اصلاحی مجازاتها را نیز از بین می‌برد؛ برای مثال به جای اینکه «زندان، دانشگاهی باشد برای تربیت و اصلاح مجرمان» تبدیل به محلی برای تبادل افکار مجرمانه و یادگیری انواع راههای مختلف ارتکاب جرم خواهد بود؛

۷. تورم جزایی و تراکم پرونده‌ها سرعت و دقت در رسیدگیهای کیفری را کاهش می‌دهد؛

۸. تورم جزایی در یک کلمه خود علیت متقابل بزهکاری است.

البته آثار و پیامدهای دیگری هم بر تورم جزایی مترتب است که جهت خودداری از اطاله کلام به همین مقدار بسنده می‌شود.

بخش دوم: راههای مقابله با تورم جزایی

برای مقابله مستقیم و یا غیر مستقیم با تورم جزایی راههای مختلفی وجود دارد که به

→ افزایش یافته است. به طوری که اصل «تخصص» و «ثبوت محاکم» به موجب این قانون از بین رفته است. و وظایف دادستان و حتی ضابطین دادگستری همه اصولاً به وی واگذار شده است.

۱ - Blackmail.

۲ - ریموند گسن، بحران سیاستهای جنایی کشورهای غربی، پیشین، ص ۲۹۳.

۳ - عددی که نسبت بین تبهکاری حقیقی و قانونی (یا قضایی) را نشان می‌دهد در آمار جنایی به رقم سیاه بزهکاری معروف است. این اصطلاح در سال ۱۹۰۸ به وسیله دادستان ژاپونی به نام اوپا وارد جرم شناسی گردید و منظور وی از رقم سیاه در اصل جمع کل جنایاتی است که مجهول می‌ماند.

اساسی‌ترین آنها در زیر اشاره می‌کنیم.

الف - اولویت دادن به «قایم مقامهای کیفری» و «اقدامات تأمینی و تربیتی»

یکی از راههای مقابله با تورم کیفری اولویت دادن به «قایم مقامهای کیفری» و «اقدامات تأمینی و تربیتی»^۱ است. که ما در اینجا قایم مقامهای کیفری را ابتدائاً از دیدگاه مکتب تحقیقی مورد توجه قرار می‌دهیم و بعد به قایم مقامهای کیفری موجود در حقوق اسلام می‌پردازیم.

آقای انریکو فری یکی از بنیانگذاران مکتب تحقیقی در این مورد می‌گوید:

«نظر به اینکه کیفرها از لحاظ دفاع اجتماعی، وسیله ناچیزی است که نمی‌تواند جوابگوی این نیازمندی باشد، باید به تدابیر پیشگیری متوسل شد که جایگزین کیفرها گردند و تمینیات اجتماعی را برآورند و این همان است که من آن را هم‌ارزهای کیفرها یا قایم مقامهای کیفری نامیده‌ام».^۲ وی اضافه می‌کند: «مادام که در بنای اجتماعی تحولی اصولی، بر اساس اقتصادی و سپس اخلاقی و سیاسی و حقوقی برحسب مفروضات و پیش‌بینی‌های جامعه‌شناسی [و جرم‌شناسی] پدیدار نشود، وقوع بزه اجتناب‌ناپذیر است. و ما ایمان داریم که اگر این تدابیر در هر جای دنیا، قدرت مؤثر پیشگیری خود را اعمال نماید، جرمی وقوع نخواهد یافت. [و یا حداقل به کمترین حد خود خواهد رسید] در این سیستم برای اجتناب از بزه دیگر کیفر محلی از اعراب ندارد... البته از این تهدید قانونی زمانی می‌توان استفاده کرد که دیگر کار از کار گذشته است. (علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد^۳) ما باید نخست در تکاپوی حذف و پیشگیری غیر مستقیم محرکه‌های جنایی برآیم؛ زیرا به محض اینکه محرکه‌های جنایی بسط یافتند دیگر توسل به کیفر بیهوده است.»

به قول سعدی:

۱ - اقدامات تأمینی و تربیتی تدابیری هستند که به منظور جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمین خطرناک اعمال می‌شود. و مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق، خصوصیات روحی، اخلاقی، نوع جرم ارتکابی و کیفیت جرم ارتکابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد. (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به «قانون اقدامات تأمینی و تربیتی» مصوب ۱۳۳۹)

۲ - ریموند گسن، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، چاپخانه علامه طباطبایی،

۱۳۷۰، ص ۷۰. * - آخر الدواء الکت.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به بیل^۱
 قبل از اینکه جنبه‌های مختلف قایم مقامهای کیفری را از دیدگاه انریکوفری به اختصار توضیح دهیم. باید به یک نکته اشاره کنیم و آن اینکه ممکن است گفته شود در کشورهای غربی علی‌رغم استفاده از این تدابیر پیشگیری در دهه‌های اخیر باز هم در عمل از نظر پیشگیری از وقوع جرم با بحران مواجه شده‌اند، و لذا استفاده از این تدابیر هم بی‌فایده خواهد بود. اما باید گفت: درجه کارایی و تأثیر سیاست جنایی به خصوصیات نظام اجتماعی و نظام ارزشهای جاری در هر جامعه از یک طرف و کیفیت نهادهایی که سیاست جنایی جامعه را مشخص می‌کند، از طرف دیگر بستگی دارد و روشن است که جوامع از این لحاظ با هم متفاوت هستند.

جنبه‌های مختلف قایم مقامهای کیفری از دیدگاه انریکوفری:^۲

- قایم مقامهای کیفری از دیدگاه وی جنبه‌های مختلفی دارد که عبارتند از: ۱. اقتصادی ۲. سیاسی ۳. مدنی و اداری ۴. تربیتی ۵. خانوادگی ۶. مذهبی ۷. علمی
۱. از جنبه اقتصادی: فری توصیه می‌کند که باب تجارت آزاد بین کشورها بدون گمرک و سایر محدودیتهای مرزی گشوده شود؛ خدمات عمومی توسعه یابد؛ اسکناس به سکه‌های فلزی تبدیل شود؛ از بروات بیشتر استفاده شود؛ مؤسسات اعتباری عمومی و کشاورزی، صندوقهای روستایی ایجاد شود؛ و مقررات سفته بازی، بورس، فعالیت بانکی، تنزل نرخ بهره تنظیم شود؛ حقوق کارمندان افزایش یابد و ساعات کار تحدید شود (تا جلو بیشتر جرایم مالی مثل رشوه و اختلاس گرفته شود)؛ تأسیس صندوقهایی برای عجزه که قادر به کار نیستند، پرداخت غرامت در مورد حوادث کار، تأسیس صندوقهای پس انداز و ذخیره پیری، خانه‌های کارگری ارزان قیمت، شرکت‌های تعاونی و اردوگاههای کشاورزی برای گدایان و ولگردان از دیگر پیشنهادات فری از جنبه اقتصادی است؛
 ۲. از جنبه سیاسی: فری برای جامعه یک حکومت ملی که آزادیهای فردی و عمومی را محترم شمارد؛ آزادی عقیده، احترام حقوق فردی و اجتماعی، آزادی انتخابات، تحولات سیاسی و پارلمانی فدرالیسم اداری و غیره را آرزو می‌کند؛
 ۳. از جنبه مدنی و اداری: فری خواستار تسهیلات بیشتری در این امور بوده و توصیه

۱- همان.

۲- دکتر مهدی کی‌نیا، علوم جنایی، ج ۳، پیشین، ص ۱۳۰۶ به بعد.

می‌کند: دادگاههای بخش را توسعه دهند؛ برای بیچارگان و فقرا وکلای مجانی از بودجه عمومی انتخاب کنند؛ خسارات متضررین از جرم را جبران نمایند؛ قوانین را سهل و ساده تدوین کنند؛ مسؤولیت مدنی اداره کنندگان تعیین گردد و یک سلسله قوانین در زمینه اعاده حیثیت، بهترین سازمان معاینه پزشکی داوطلبان خدمت سربازی، نگهداری از اطفال سرراهی و ایتم، جلوگیری از کثرت و ازدحام بازداشتیها در زندانها و ... تدوین گردد؛

۴. از جنبه تربیتی: فری می‌گوید: از نمایشگاههای مبتذل، فیلمهای سینمایی مهیج و فساد انگیز، مطبوعات جنایی^۱، جلوگیری به عمل آید؛ به توسعه دانشسراها همت گمارده شود؛ وضع و مقررات آموزگاران را بهبود بخشند؛ از تشکیل بسیاری از جشنها خودداری شود؛ تفریحات بهداشتی و ورزشی توسعه یابد؛ به مراقبتهای بدنی از کودکان فاسد و تبهکار توجه جدی شود و به تأسیس دادگاههای صغار اقدام شود؛

۵. از جنبه خانوادگی: فری با قبول طلاق موافق بوده و توصیه می‌کند بعضی از خدمات کشوری و نظامی منحصرأ به عهده مردان باشد. مقررات جامع الاطرافی برای جلوگیری از فحشا و ممنوعیت ازدواج برای بعضی از اشخاص تدوین شود؛

۶. از جنبه مذهبی^۲: تحریم راه انداختن دسته‌های مذهبی، ازدواج روحانیون (کشیشان)، حذف صومعه‌ها، تقلیل آثار لوکس کلیساها و الغای مسافرتهای مذهبی از دیگر پیشنهادات اوست؛
۷. از جنبه علمی: از جنبه علمی، فری خواستار توسعه علوم و فنون مربوط به دانش جرم یابی (از قبیل عکاسی و تن پیمایی زندانیان، خط شناسی، زهر شناسی و تشخیص طبیعت تبهکاران از روی خطوط آنها و ...) است. و نیز توصیه می‌کند زمینه برای تحصیل زنان در رشته پزشکی بیشتر فراهم شود.

قائم مقامهای کیفری در حقوق اسلام

بر خلاف ادعای کسانی که می‌گویند سیاست جنایی اسلام یک سیاست جنایی ایدئولوژیکی یا عقیدتی است، دقت و تأمل در قائم مقامهای کیفری در حقوق اسلام (که به مواردی از آن ذیلاً اشاره می‌کنیم) و نیز فلسفه مجازاتها نشان می‌دهد که سیاست جنایی اسلام یک سیاست جنایی صرفاً ایدئولوژیکی نبوده، بلکه سیاست جنایی علمی و جرم شناختی هم

۱ - در سالهای اخیر در کشور ما روزنامه‌ای که پر از مطبوعات جنایی بود تحت عنوان «حوادث» منتشر می‌شد که به خاطر همین پیامدهای سوء تربیتی تعطیل گردید.

۲ - توصیه‌هایی که فری از جنبه مذهبی دارد بیشتر ناظر به کشورهای غربی است.

می‌باشد؛ به عبارت دیگر در حقوق اسلام هم آنچه که در وهله اول اهمیت دارد، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان مجرمان با استفاده از تدابیر پیشگیری و اقدامات تأمینی و تربیتی است. و خود مجازاتها فی النفسه موضوعیت ندارند.

نمونه‌هایی از قایم مقامهای کیفری در حقوق اسلام:

۱. وام دادن از طریق قرض الحسنه: یکی از راههایی که دین مقدس اسلام برای پیشگیری از جرایم (مخصوصاً جرایمی که جنبه مالی دارند مثل «ریبا») در نظر گرفته است، تأکید بر دادن وام از طریق قرض الحسنه است. علی‌رغم ممنوعیت ریبا در حقوق جزای اسلام^۱ ریبا دادن و ریبا گرفتن در میان مردم بسیاری از کشورها رایج شده و مردم نیازهای خود را از راه تنزیل قرض می‌کنند^۲ و پولداران هم بدون زحمت و انجام کاری با قرض دادن وجوه خود منافع سرشار می‌برند. بدون تردید اهمیت دادن به این سنت حسنه اسلامی در بسیاری از موارد مانع از احتیاج به قرض ربوی می‌گردد؛

۲. زکات و خمس: عباداتی هستند مالی و اجتماعی که نفس انسان را از بخل، حرص، آز، حب مال و کینه طبقاتی پاک می‌کند. افلاطون چقدر خوب گفته است:

«تقوای بزرگ و ثروت سرشار دو چیز ممانعة الجمع هستند.»

۳. انفاق و احسان: انفاق و احسان یکی دیگر از طرق پیشگیری از جرایم علیه اموال است؛ چرا که باعث شورش فقرا و مستمندان علیه ثروت اندوزان می‌شود. خداوند متعال در آیه ۴۷ از سوره یس در مورد کسانی که انفاق نمی‌کنند می‌فرماید:

﴿و اذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين آمنوا انطعم من لو

يشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلال مبين﴾

۴. امر به معروف و نهی از منکر: بدون تردید در هر اجتماع در صورتی خون، حیثیت و

مال افراد از تعرض مصون است که این چهار اساس وجود داشته باشد:^۳

۱ - خداوند در قرآن کریم در سوره البقره آیه ۲۷۵ می‌فرماید: ﴿و احل الله البيع و حرم الربوا فمن جائه مورظه من ربه فانهي فله ما سلف و امره الى الله و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون﴾ و باز در آیه ۲۷۹ در زمینه ممنوعیت ریبا می‌فرماید: ﴿فان لم تفعلوا فاهذنوا بحرب من الله و رسوله ...﴾.

۲ - و حتی توجیهاتی هم از طرف عده‌ای از فقها و حقوقدانان معاصر برای مشروعیت بخشیدن به آن به عمل آمده است. (برای مطالعه بیشتر، مراجعه شود به مقاله «توجیهات معاصر پیرامون مسأله ریبا» از آقای دکتر بدالله دادگر، مجله نامه مفید، ش ۷، سال دوم، پاییز ۷۵)

۳ - گزارش کنفرانس اجرای حقوق جزای اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم، دکتر ابوالقاسم گرجی،

الف - تربیت صحیح در خانه و مدرسه ب - ضمان اجتماعی (عدالت اقتصادی) ج - امر به معروف و نهی از منکر د - برپا داشتن حدود و کیفرهای شرعی منحرفان

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر یکی از اساسی ترین پایه های تربیتی جوامع اسلامی است و آیات و احادیث فراوانی درباره وجوب و آثار آن و درباره نتایج شوم عدم قیام به آن وارد شده است. برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد می فرمایند:

«به کار نیک فرمان دهید و از کار زشت دیگران را باز دارید و ترک این دو وظیفه موجب تسلط اشرار و سبب عدم اجابت دعای اخیار می شود.»^۱

۵. آسان گیری در امر ازدواج: یکی از راههای پیشگیری از جرایم علیه اشخاص مثل زنا آسان گیری در امر ازدواج است.

۶. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه: تأمین شرایط و فراهم آوردن امکانات کار برای همه افراد جامعه و مخصوصاً کسانی که قادر به کار هستند ولی امکانات آن را ندارند، یکی از مهمترین طرق پیشگیری از تبهکاری است. چون فقر و محرومیت و بیکاری همچنانکه «کلود فوشه»^۲ می گفت یکی از عوامل اصلی بزهکاری است.

در همین زمینه است که بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از پایه های اقتصاد اسلامی را «تأمین شرایط کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراز دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر...» اعلام می دارد. از طرف دیگر بند ۱۲ از اصل سوم نیز «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» را یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایرانی اعلام کرده است.

با توجه به آنچه که در خصوص قایم مقامهای کیفری در حقوق اسلام گفته شد، می توان این سؤال را مطرح کرد که چرا در کشورهای اسلامی نیز مسأله مهار جرایم و ثابت نگهداشتن نرخ تبهکاری امری مشکل شده است؟ در پاسخ به این سؤال به یک جمله اکتفا می کنیم؛ به قول

→ مقالات حقوقی، ج اول، تهران انتشارات دانشگاه تهران، مرداد ۱۳۷۲، صص ۶۵ - ۶۴.

۱ - دکتر محمد خزائلی، احکام قرآن، ص ۵۵۹، به نقل از دکتر ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی؛

ج اول، ص ۷۰.

۲ - کلود فوشه اسقف فرانسوی بود که در سال ۱۷۹۳ به خاطر افکار نوینی که داشت با گویترین اعدام گردید. وی معتقد بود که سه منشاء بزرگ تبهکاری عبارت است از: «ثروت فوق العاده، بدبختی فوق العاده و بیکاری» گفتنی است دیدگاه جرم شناختی و روان شناختی اسلامی هم در مورد بیکاری و فقر همین است.

شاعر:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

ب - لزوم تجدید نظر در نهادهای حقوقی کیفری

یکی دیگر از راههای مقابله با تورم جزایی و خروج از بحران سیاست جنایی لزوم تجدید نظر در نهادهای مختلف جزایی مثل «تعلیق اجرای مجازات»^۱، «شروع به جرم»^۲ و تدوین مقررات جامع الاطراف در خصوص «آیین دادرسی کیفری» و «اعاده حیثیت»^۳ و غیره است.

۱ - «تعلیق اجرای مجازات» یکی از تغییرات ماهوی حقوق جزا در راستای اصل فردی کردن مجازاتها (Individualization Of Punishment) بود که از قرن نوزدهم به بعد به دنبال ظهور مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی جدید وارد قلمرو قوانین جزایی کشورهای مختلف از جمله کشور ایران گردید. بدون تردید هدف از تأسیس این نهاد حقوقی، که عمدتاً در مورد جرایم کمتر صدمه زننده به جامعه پیش بینی می‌شود، باز اجتماعی کردن مجرم و دادن فرصت اصلاح به وی می‌باشد. با وجود این مقررات فعلی حقوق جزای ایران در خصوص تعلیق اجرای مجازات با منطق تعلیق سازگاز نیست؛ زیرا چنانکه آقای دکتر نوربها می‌نویسد: «اصولاً منطق تعلیق اجزای مجازات، عدم کیفر مجرم و ترس او از اجرای آن و جلوگیری از فرو ریختن دیوارهای فاصله بین ترس و عدم آن است؛ به عبارت دیگر منطق تعلیق بر مدار عدم اجرای مجازات به طور مطلق است. [و نه قسمتی از مجازات که در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به آن نیز اشاره شده است.] حال با وجود این قید «تعلیق اجرای قسمتی از مجازات» سؤال این است که اگر ما قسمتی از مجازات را اجوا کنیم و بقیه را تعلیق چگونه می‌توانیم به هدف اصلاحی تعلیق برسیم؟ (دکتر رضا نوربها، نگاهی کوتاه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴ - ۱۳، صص ۱۸۵ - ۱۸۴).

۲ - برخلاف مقررات مربوط به شروع به جرم در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲، در قانون جدید (۱۳۷۰) اساساً مفهوم شروع به جرم مورد توجه قانونگذار نبوده است و این امر برخلاف مقتضای اصل «دفاع اجتماعی» است.

۳ - اعاده حیثیت (Rehabilitation) از نهادهای حقوقی دیگری بود که در راستای باز اجتماعی کردن مجرم وارد قلمرو قوانین جزایی و از جمله قانون مجازات عمومی ایران گردید. به موجب ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ چنانکه در جرایم عمدی محکومین به حبس جنایی ظرف ۱۰ سال و محکومین به حبس جنحه‌ای ظرف ۵ سال از تاریخ اتمام مجازات یا شمول مرور زمان، محکومیت به جنایت یا جنحه موثر جدیدی نداشتند به اعاده حیثیت نایل می‌آمدند و آثار محکومیت آنان زایل می‌گردید.

وجود این نهاد حقوقی بدون تردید یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از تکرار جرم است. با این حال نه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و نه در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲، اشاره‌ای به آن نشده است. و ظاهراً نظر قانونگذار بر نسخ این نهاد حقوقی بوده است. چنانکه «دایمی بودن» سیستم تکرار جرم نیز در قانون مجازات اسلامی (ماده ۴۸) یک نوع دلالت ضمنی بر این منظور قانونگذار دارد. و این در حالی است که حذف این نهاد نه با سیستم حقوق اسلامی هماهنگی دارد و نه متناسب با یک سیاست جنایی پیشگیرانه است.

ج - پیش بینی ضمانت‌های اجرایی لازم برای اصول مختلف قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی بوده و منعکس کننده خواست قلبی امت اسلامی است، در اصول مختلف خود (مخصوصاً اصل اول تا چهاردهم) به بیان حقوق و تکلیف ملت در مقابل دولت و دولت نسبت به ملت پرداخته است. با وجود این حدود و شرایط اعمال این حق و تکلیف در موارد عذیده‌ای به وضع و تصویب قوانین عادی موکول شده است. و با توجه به اینکه در خیلی از موارد، قوانین عادی تاکنون در این زمینه اقدامی نکرده‌اند، لذا این اصول عملاً فاقد ضمانت اجرایی لازم می‌باشند؛ برای مثال «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از این موارد است که در قانون اساسی آمده است. برابر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل به عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت؛ شرایط و حدود و کیفیت آن راقانون مشخص می‌کند.»

گفتنی است تنها قانونی که در مورد اصل «امر به معروف و نهی از منکر» بعد از انقلاب تصویب گردید مربوط به «قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲» بود. برابر بند ۳ ماده ۳۱ این قانون امر به معروف و نهی از منکر یکی از عوامل موجهه جرم^۱ به حساب آمد؛ یعنی به موجب این بند ارتکاب جرم در مقام امر به معروف و یا نهی از منکر جرم نبوده و قابل تعقیب و مجازات نبود. با وجود این، این بند به دلیل عدم تعیین شرایط و حدود و کیفیت اجرای امر به معروف و نهی از منکر عملاً متروک و در نتیجه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از ماده مربوطه حذف گردید. در حالیکه به نظر می‌رسد حذف این بند از قانون مجازات اسلامی (به جای تعیین حدود و شرایط اعمال آن) نه تنها خلاف قانون اساسی و شرع می‌باشد بلکه مقتضای یک سیاست جنایی جرم شناختی نیز نیست. بنابراین در مجموع می‌توان گفت پیش بینی ضمانت‌های اجرایی عملی و کیفری لازم برای اصول مختلف قانون اساسی در حقیقت یک نوع «جرم زدایی و یا کیفر زدایی» به صورت غیر مستقیم خواهد بود که یکی دیگر از راههای

۱ - عوامل موجهه جرم عملی هستند که عنصر قانونی جرم را زایل می‌کنند. به عبارت دیگر عوامل موجهه جرم اوضاع و احوالی هستند استثنایی که قانونگذار در آن شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب عملی را که در شرایط عادی جرم است، جرم نمی‌داند. مصادیق عوامل موجهه جرم عبارتند از: ۱. امر قانون و امر آمر قانونی ۲. دفاع مشروع ۳. اضطرار ۴. رضایت مجنی علیه.

مقابله با تورم جزایی است.

پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران^۱

سال	جمع	قتل عمد	قتل غیر عمد ^۲	جرح ^۳	ضرب	تهدید	مسموم کردن عمدی
۱۳۶۹ ^۴	۳۸۰۶۴	۲۰۳	۱۰۷	۱۵۴۶۰	۲۱۱۱۸	۸۶۰	۳۱۶
۱۳۷۰	۱۸۶۹۴	۹۹۸	۲۰۸	۹۵۰۳	۷۰۷۱	۷۹۱	۱۲۳
۱۳۷۱	۵۲۴۳۰	۹۳۸	۱۸۸	۱۷۴۳۴	۳۳۲۱۵	۴۴۲	۲۱۳
۱۳۷۲	۴۸۵۵۶	۱۳۸۳	۳۸۹	۴۵۰۴۴		۱۶۲۶	۱۱۴
۱۳۷۳	۶۳۴۴۵	۱۵۸۴	۵۶۱	۵۹۹۳۴		۱۲۵۲	۱۱۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

- ۱ - خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور، تهران، مرکز آمار ایران، فروردین ۱۳۷۵، ص ۴۱.
 - ۲ - بااستثنای موارد ناشی از تصادفات وسایل نقلیه.
 - ۳ - پیشین.
 - ۴ - آمار مندرج مربوط به ۹ ماه اول سال ۱۳۶۹ می‌باشد.
- ماخذ: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.